

۲۵ شخصیت برتر در عرصه کسب و کار امریکا

قدرت

جری یوسیم

زمین بازی گلف همواره صحنه رخدادهای مهمی در عرصه کسب و کار بوده است. مثلاً اندرو کارنگی در ۱۹۰۱، وقتی متقاعد شد که امپراتوری خود را به جی. پی. مورگان بفروشد، در زمین گلف بود. این رویداد منجر به شکل گیری یو. اس. استیل نخستین شرکت میلیارد دلاری جهان شد. جان دی. راکفلر در حال بازی در زمین گلف ۱۲ حفره ای خود بود که از رأی دیوان عالی امریکا با خبر شد، تصمیمی که به فروپاشی شرکت استاندارد اوایل انجامید. شاید بازی گلفی که اخیراً در سان ولی آیداهو انجام شد به اندازه دو بازی مذکور اهمیت نداشته باشد ولی رکورد تازه ای برای تعیین قدرت اقتصادی بر جا گذاشت. بازیگران، مدیران عامل بزرگترین شرکت های جهان، موفق ترین سرمایه گذار جهان و ثروتمندترین مرد جهان بودند. وقتی تمام این ها را در یک مجموعه بگنجانید، نتیجه کار شماره ویژه فورچون درباره «قدرت» می شود.

انتخاب قدرت به منزله عنوانی برای یکی از شماره های ویژه فورچون شبیه آن است که نشریه ورزشی اسپورتز ایلوستریتد شماره ویژه ای را به «ورزشکاران» اختصاص دهد. زیرا قدرت تعیین کننده ثروت (فورچون) است.

به سال ۱۹۲۹ بازمی گردیم. در آن زمان هنری لیوس در فکر این بود که نام مجله خود را پاور (قدرت) بگذارد. گرچه خوشحالیم که وی از این فکر صرف نظر کرد. اما لیوس به هر حال روی نقطه مناسبی دست گذارده بود. کسب و کار نیز مانند گلف صرفاً به قدرت مربوط نمی شود ولی قدرت در روح کسب و کار است.

مردم به روش هایی حضور قدرت را تأیید می کنند که ما حتی از آن ها آگاه نیستیم. تحقیقات استیو الیسون از دانشگاه ایالتی یانگزتاون نشان می دهد که اگر دو نفر را در یک اتاق قرار دهیم فردی که دارای قدرت کمتری است، هنگام شنیدن تمایل بیشتری به نگاه چشم در چشم دارد. (تلویحا می گوید ببین رئیس، با دقت به تمام حرفهایت گوش می دهم) و هنگام صحبت کمترین نگاه چشم در چشم را دارد. (تلویحا می گوید من افکارم را بیان می کنم ولی برای شما خطری ندارم). از طرف دیگر مطالعات نشان می دهد که قدرتمندترین فرد کمتر گرایش به لبخند زدن دارد، در غیر عادی ترین جاها می نشیند و دوست دارد «مرتفع تر» از دیگران باشد. الیسون اشاره می کند: لمس انگشتان هنگامی که فرد در موضعی مرتفع تر قرار دارد (شرلوک هلمز و آقای برنز در مجموعه تلویزیونی خانواده سیمپسون هر دو چنین کاری انجام می دهند)، نمایشی از قدرت است که تأثیر آن از «نگاه در حالی که چشمان دو طرف در یک سطح قرار دارند» بیشتر است. بدین ترتیب یکی از دو نفر ناچار است که از ورای دست های طرف مقابل به او بنگرد.

وقتی به عکس پرتو ای که ادوارد استایخن از جی. پی. مورگان برداشته می نگریم کمتر می توانیم به «قدرت» و احتمالا «خطر» فکر نکنیم. در این تصویر معروف، قدرتمندترین تاجر که تاکنون زندگی کرده است نگاهی اخمو و نافذ دارد و چیزی که شبیه به خنجر براق می نماید، در واقع نوعی تمهید عکاسی است: در واقع خنجر دسته فلزی صندلی است و اخم مورگان واکنشی لحظه ای نسبت به خواسته های استایخن بوده است. البته آگاهی از این موضوع باعث کاهش قدرت این عکس نمی شود. این مورگان است، مردی که دارای هایش معادل دوسوم درآمد ملت بود و در ۱۹۰۷ با زندانی کردن پنجاه بانکدار وحشی عمومی را ایجاد کرد. نگاه او چنان قدرت و نفوذی داشت که می توانست افراد را از هم متفرق کند.

اما شناسایی قدرت یک چیز و رده بندی آن چیز دیگری است. وقتی فورچون تصمیم گرفت تا فهرستی از بیست و پنج شخصیت برتر در عرصه کسب و کار امریکا تهیه کند، هدفی ساده داشت: ارائه تصاویر شخصیت هایی که اهرم های قدرت اقتصاد امریکا را کنترل می کنند. تعریف ما از قدرت بسیار صریح است: توانایی برای تأثیرگذاری بر رفتار سایر افراد، چه در شرکت، چه در صنعت یا کلا در سطح جهان. البته بخش ساده در همین جا به پایان می رسد، حالا می خواهیم بفهمیم که چهار قانون تغییرناپذیر برای ارزیابی شدت قدرت چیست.

قانون یک؛ قدرت نیز مانند نیروی جاذبه مستقیما قابل مشاهده نیست. تنها می توانیم تأثیرهای آن را ببینیم. مثلا اگر نام شرکت شما به عنوان فعل مورد استفاده قرار گیرد (Google، Googled) معلوم می شود که تا حدی قدرت دارید اما وجه مثبت آن معلوم نمی شود. اگر در ترانه ای خواننده ای معروف بیاید به هدف نزدیکتر می شوید.

قانون دو؛ هر چند ممکن است قدرت مطلق، فساد مطلق به همراه بیاورد، در عرصه کسب و کار چنین قدرتی وجود ندارد. در عوض هر کسی قدرت خود را بر دیگری اعمال می کند. در واقع مدیر عاملی که مانند ناخدای یک کشتی به نظر می رسد و عمل می کند، اسیر تشکیلات است از وال استریت گرفته تا وکلا، حقوق بگیران و خصوصا کارکنان خود. تامس کلدیتز

استاد دانشگاه نظامی وست پوینت به نکته جالبی اشاره می کند: معمولا قدرتی که روسا را به تبعیت وامی دارد دست کم گرفته می شود. من با اسرای جنگی عراقی مصاحبه کردم. اغلب آن ها گفتند: «اگر فرماندهان ما را وادار به جنگیدن می کردند آن ها را می کشتیم.»

قانون سه؛ قدرت از منابع گوناگونی سرچشمه می گیرد مثلا در اساطیر آمده است که قدرت سامسون ناشی از موهایش بوده است، شخصیت کارتونی پایای با اسفناج نیرو می گیرد و البته سرچشمه قدرت مائوتسه تونگ لوله تفنگ بوده است. شکل غیرمستقیمی از قدرت هم وجود دارد که «نفوذ» نامیده می شود.

قانون چهار؛ مقایسه شرکت اپل با مایکروسافت کار ساده ای نیست و بحث های جنجالی (و جنگ و دعواهایی) را برمی انگیزد. درست مثل بازی سنگ کاغذ قیچی است، سنگ قیچی را می شکند، قیچی کاغذ را می برد و کاغذ روی سنگ را می پوشاند. بهتر است کدام یک از این اشیاء را داشته باشیم؟ خوب، آیا قدرتمندترین فرد: ۱- مدیرعامل شرکتی عظیم است که صد هزار کارگر و کارمند به او سلام می کنند؟ ۲- تاجر اوراق قرضه است که وقتی باد به بینی اش می افتد ارزش شرکتی عظیم را به نصف کاهش می دهد؟ ۳- اقتصاددانی است که افکارش به نحوی ظریف عملکرد تاجر اوراق قرضه را تعیین می کند؟ یا ۴- ونس کافمن، مدیرعامل شرکت لاکهید مارتین آن قدر قدرت هوایی دارد که همه چیز را در بالا یونیزه کند؟ سنگ، کاغذ، قیچی و موشک هلفایر.

اگر با دقت به این لایه های پیچیده نگاه کنیم می توانیم ببینیم که تصور فرد قدرتمند در حکم آدمی که مانند زئوس صاعقه ای در دست دارد، صرفا تصویری کارتونی است. رابرت کارو مورخ می گوید: «در واقع قدرت شکلی از هنر است. نوعی نبوغ که با سایر انواع نبوغ تفاوت دارد.» دو زندگی نامه مفصل کارو، یکی درباره لیندون جانسون و دیگری رابرت موزز (معمار بزرگ نیویورک) جزو دقیق ترین بررسی هایی که تاکنون درباره قدرت انجام شده است هستند. هر دوی این شخصیت ها بی رحمانه در پی قدرت بودند. جانسون با این روش به رهبری سنای امریکا رسید و موزز برای ساختن جاده ها و پل های خود تمام منطقه متروپلی تن نیویورک را ویران کرد. البته شیوه های این دو کاملا متفاوت بود. کارو اشاره می کند: «جانسون هر انسانی را در حکم ابزار می دید. او از جاذبه شخصیت خود استفاده می کرد تا افراد را به نقاط ضعفشان نزدیک کند. سپس آن نقاط ضعف تبدیل به اهرم استفاده از این ابزار می شد. موزز که اصولا انسان ستیز بود (مثلا از تماس جسمانی نفرت داشت) نمی توانست نقاط گوناگون شخصیت و روان انسان را بیابد، ولی طی چهل سال و در دوران کار پنج شهردار، قاطعانه با نقاط ضعف و قدرت نظام سیاسی نیویورک بازی کرد. او تسخیرناپذیر بود. کارو به یاد می آورد که موزز را با قلمی در دست مقابل نقشه ای بزرگ از نیویورک دیده بود: «او درست مانند نقاشی بود که کل مناطق شهری و حومه را (با بیست و یک یا بیست و دو میلیون جمعیت) نقاشی می کرد و آن را هم چون یک بوم نقاشی می دانست ولی در بین تمام رنگ هایی که برای نقاشی مورد استفاده قرار می داد، مهم تر از همه رنگ قدرت بود.»

بدون آن هیچ یک از رنگ های دیگر به درد نمی خورد.»
نکته مهمی که کارو متذکر می شود: «کسب قدرت عملی
خلاقانه است. این فکر کلیشه ای وجود داشت که هیچ کس

نمی توانست ای امریکا
را هدایت کند.
لیندون جانسون
روشی برای هدایت
آن خلق کرد.
این فکر کلیشه ای
حاکم شده بود
که نیویورک به
شیوه ای دولتی
قابل اداره نیست،
موزز روشی
برای اداره شهر
به شیوه دولتی
ابداع کرد. به همین
ترتیب این فکر
کلیشه ای حاکم
بود که هیچ کس
نمی تواند از کسب
و کار رایانه پول
در بیاورد ولی
مایکل دل روش
تازه ای برای انجام
این کار یافت.

پس از چندین
دور از بحث های
داخل تحریریه
درباره فهرست
قدرت، دو نکته
مشخص شد:
نخست قدرت
واقعا موضوع
ژرفی است، دوم
هر فهرستی که
منتشر ساختیم،
اعتراضاتی را
برانگیخت. (مثلا

چطور مدیرعامل شرکت فیزر را جزو ده تایی اول نیابردید؟)
با وجود این مقارن با زمانی که تصمیم به انتخاب سه نفر برتر
گرفتیم، آن ها در سانولید مشغول بازی گلف بودند. ما سه
ماهی بزرگمان را گرفتیم. تنها یک پرسش باقی مانده بود:
کدام یک شاه ماهی است؟

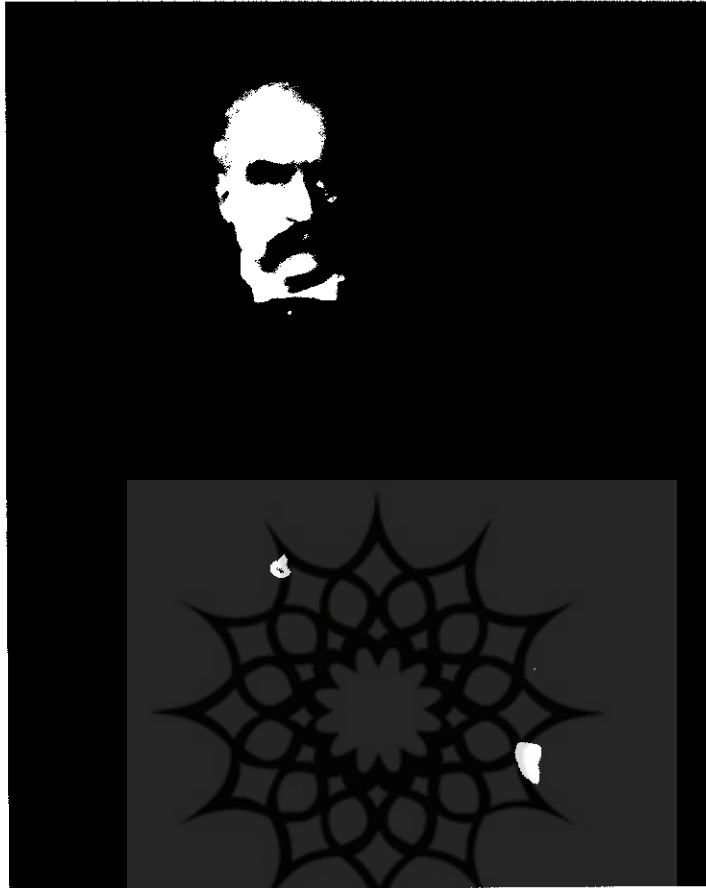
جای بحث ندارد که چه کسی قدرتمندترین شرکت را
اداره می کند. لی اسکات مدیرعامل والت مال در آن واحد
بسیست صنعت مختلف را بازسازی و احیاء کرد و احتمالا
اگر نمایندگان شورای امنیت سازمان ملل کشورها نبودند،
می توانست به عنوان یکی از نمایندگان پذیرفته شود. در عین
حال می توان راحت تر از دو نفر دیگر برای اسکات جانشین

تعیین کرد. بیل گیتس در حکم مغز برتر شرکتی که نیرویش
از قدرت ذهنی می آید، همچنان آقای مایکروسافت است.
اگر هاگلبری فین زنده بود احتمالا می گفت که او با استفاده
از قدرت بخش
خاکستری مغزش
به اسکناس های
سبز می رسد.
البته بازی شطرنج
چهل و شش
میلیارد دلاری
مایکروسافت
صرفا نیروی بالقوه
این شرکت است.
این قدرت زمانی
شناخته می شود
که شرکت روشی
نویس برای استفاده
از آن بیابد.

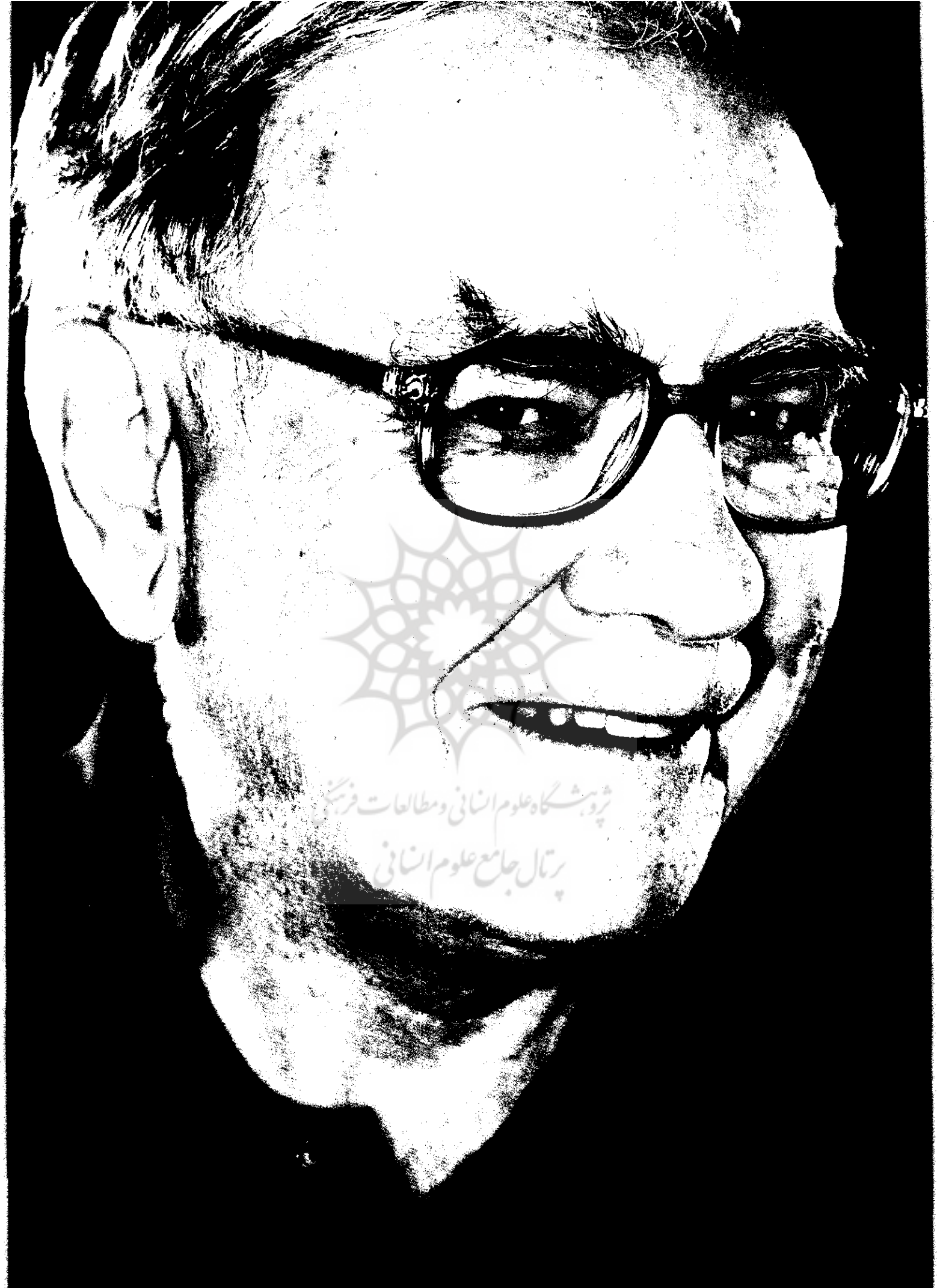
بالاخره به
گلف باز سوم
می رسیم. وارن
بافت علاوه بر
هدایت امپراتوری
خود که برکشایر
هاتاوی نامیده
می شود، چیزهای
دیگری هم در چنته
دارد (کوکاکولا،
ژیلت، شرکت
واشنگتن پست) و
ثروتی شخصی که
تنها از ثروت بیل
گیتس کمتر است
اما شاید جالبترین
واقعیت در مورد
بافت بر گرفته از
آمار اخیر دانشگاه
دوک در مورد
فارغ التحصیلان

رشته کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی باشد: در بین
آن ها، تحسین شده ترین فرد (حتی بیش از رئیس جمهور، پاپ
اعظم و گاندی) وارن بافت است. این جایگاه قابل توجه به او
قدرتی اخلاقی می دهد که به دلیل استفاده محدود حتی تقویت
هم شده است. در واقع توانایی برای شکل دادن به رفتار مردم
از طریق کلام به او قدرتی خاص می دهد، نکته ای که تصویر
بافت را به منزله بزرگترین حامی غیررسمی سرمایه داری
امریکا پررنگ تر می سازد.

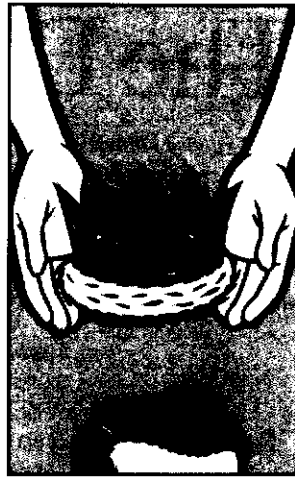
او سنگ، کاغذ و قیچی را در اختیار دارد و اکنون به
امتیاز دیگری هم دست یافته است: این که نفر اول فهرست
ما باشد.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پنال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

WARREN
BUFFETTپژوهش‌های
مبتنی بر روانشناسی

قدرت‌مندترین تاجر امریکایی چندان راجع به زندگی خود حرف نمی‌زند. مطمئناً وارن بافت از برخی از تجمعات ناشی از موقعیت خود به منزله دومین مرد ثروتمند جهان لذت می‌برد. مانند پرواز با هواپیمای نت جتز خود و بازی بریج با دوستش بیل گیتس (نفر دوم در فهرست ما) ولی مهم‌تر از همه، این تاجر ۷۲ ساله داناتما از پذیرش این موضوع ظفره می‌رود که وی اطلس کسب و کار امریکا است. او با لبخند آشنای خود می‌گوید: «معنی اش دقیقاً این است که اگر من کار احمقانه‌ای انجام بدهم تأثیر و زیانش بسیار بیشتر است. معنی اش این است که تعداد صفرهایی که جلوی اضررهای شما می‌آید بیشتر می‌شود.»

البته این وضعیت به ندرت پیش آمده است، شرکت بافت، برکشایر هاتاوی، شرکت بافت تبدیل به غولی تمام امریکایی با سرمایه‌های چندین میلیارد دلاری در عرصه بیمه شده است. صحنه‌ای که در آن بافت یکی از برجسته‌ترین بازیگران است. همچنین عرصه‌های دیگری چون روزنامه‌ها، فرش و بوتین‌های کابویی را هم در بر می‌گیرد. طی پانزده سال اخیر سود سالانه این شرکت حدود ۲۱٪ بوده است (در حالی که سود بازار ۱۱٪ است). بافت ثابت کرده که بزرگترین سرمایه‌گذار جهان است. بدین ترتیب نفوذ و تأثیر او بر سهام بورس و بازار با هیچ کس دیگر قابل مقایسه نیست. اگر کلامی گفته شود که بافت قصد خرید یا فروش سهامی خاص را دارد (چه واقعیت و چه داستان باشد) ارزش سهام مانند توپ بالا و پایین می‌رود. به همین خاطر وقتی راجع به سرمایه‌گذاری‌هایش صحبت می‌کند، شدیداً تحت محافظت قرار می‌گیرد.

یکی از معدود مواردی که بافت راجع به سرمایه‌گذاری‌هایش صحبت می‌کند، نامه سالانه او به سهام‌داران است. در واقع متن او بیش از مطالب هر مدیر عامل دیگری در جهان خوانده می‌شود. پیش از این‌ها زیانگ زمین رئیس جمهور سابق چین با بیل گیتس درباره ماهیت مبهم بازار بورس ایالات متحده صحبت کرد، گیتس به او گفت که فقط یک نفر می‌تواند این ماهیت را درک کند و او وارن بافت است. گیتس افزود که وقتی به ایالات متحده برگردد، تازه‌ترین گزارش سالیانه بافت را برای زمین خواهد فرستاد و البته همین کار را هم کرد.

علاوه بر این، بی‌تردید بافت مدیرعاملی است که همه مدیران عامل در جهان مشتاق راهنمایی‌های او هستند. بافت می‌گوید: «اطراف مدیران عامل را افرادی گرفته‌اند که باید برای کارشان به آن‌ها دستمزد بدهند ولی من هیچ چیز نمی‌گیرم، پس می‌توانم توصیه‌هایم

را بی‌قید و شرط به آنان ارائه دهم» طی پنج سال اخیر دهها نفر از مدیران عامل از جمله جف ایملت، مدیرعامل جنرال الکتریک (نفر هفتم در فهرست ما) به او ماها آمده‌اند تا با بافت دیدار کند. ایملت می‌گوید: «من دو یا سه بار نزد او آمده‌ام و چیزهای زیادی دستگیرم شده است. بافت هوشمندترین سرمایه‌گذار جهان است و من سعی دارم از افکار او استفاده کنم.»

مجلس نمایندگان ایالات متحده نیز توجه زیادی به سخنان بافت دارد. اخیراً چند روز پیش از آن که قانون‌گذاران به قانون مالیاتی جدید بوش رأی مثبت بدهند، بافت مطلبی در واشنگتن پست نوشت و خاطر نشان کرد که حذف این مالیات‌ها اقدام نادرستی است. بافت استدلال کرد که این معافیت مالیاتی بیش از همه به نفع ثروتمندان خواهد بود. این اظهار نظر چنان تأثیر و قدرتی داشت که عده خاصی از اعضای مجلس را متقاعد کرد که رونوشت نهایی این قانون را رد کنند.

کلا می‌توان گفت که بافت بیش از هر تاجر زنده دیگری مورد ستایش و احترام است. البته نه فقط تاجران دیگر بلکه مردم عادی هم نسبت به او احساس ستایش و احترام دارند. به نظر ما قدرت همین است.

No.2

بیل گیتس

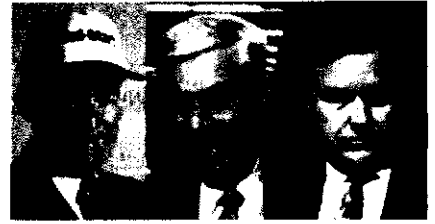
BILL GATES

مایکروسافت



بیل گیتس رئیس و یکی از دو بنیانگذار شرکت مایکروسافت، دیگر مدیر عامل این شرکت نیست ولی همچنان ثروتمندترین مرد جهان محسوب می‌شود. (ثروت خالص او را بیش از ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده‌اند) او به عنوان معمار ارشد نرم‌افزار، تأثیر عظیمی بر نحوه استفاده ما از رایانه‌های شخصی مان داشته است ولی بیش از هر چیز عملکرد این مرد ۴۷ ساله در عرصه کسب و کار به او چنین قدرتی بخشیده است. گیتس بیش از هر فرد دیگری با ابداع استانداردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، رایانه‌ها را تبدیل به کالا کرد و اقتصاد فن‌آوری اطلاعات را متحول ساخت. او در این روند برای مایکروسافت در عرصه نرم‌افزارهای سیستم عامل، قدرتی انحصاری و بی‌بدیل فراهم آورده است. اکنون گیتس می‌خواهد دنیا را به روش دیگری متحول کند. او میلیاردها دلار برای مبارزه با بیماری‌های عفونی به موسسات خیریه کمک کرده است.





در اطراف شرکت وال مارکت چیزهای زیادی در مورد قدرت نمی شنوید. گستره و تمرکز این شرکت دیگران را می ترساند و به نظر می آید که هر ابرشرکتی در مقابل آن کم اهمیت جلوه می کند. لی اسکات به این موضوع کاملاً واقف است او در مقام مدیر عامل بزرگترین شرکت امریکایی (اولین شرکت در فهرست ۵۰۰ شرکت بزرگ جهان که سالانه ۲۲۷ میلیارد دلار فروش و حدود ۱۴ میلیون نفر کارمند دارد) چیزی جز مردی واقعا قدرتمند نیست. البته این موضوع درست است که وی عمدتاً هدایت کننده قدرت وال مارکت و نه منبع آن است. در واقع سام والتون بنیان گذار و دیوید گلاس جانشین او، دو ضلع دیگر این مثلث مقدس را شکل می دهند. آن‌ها این ماشین عظیم و فرهنگ زیربنایی اش را ساختند. بنا به تعریف اگر شما بزرگترین فضایمای کهکشان را تحت کنترل داشته باشید، فرمانروای جهان هستید.

No.4

سندی ویل

SANDY WEILL
سندی ویل

ویل چند نمونه از بزرگترین

اتلاف‌ها در تاریخ کسب و کار را شکل داده است و سیتی گروپ را تبدیل به بزرگترین شرکت خدمات مالی در سطح جهان (با بیش از یک تریلیون دلار دارایی و ۳۳ میلیارد دلار فروش)

ساخته است. البته این ویل در مقام مدیر عامل تصمیم دارد که سال آینده کناره گیری کند ولی همچنان عنوان ریاست شرکت را برعهده خواهد داشت. بدین ترتیب دست راست ویل جانشین او خواهد شد و ویل همچنان تا سال ۲۰۰۶ نظارت دقیقی بر فعالیت‌های شرکت خواهد داشت. سیتی گروپ تحت مدیریت وی تبدیل به بزرگترین شرکت خرید شد. ویل و سیتی گروپ شدیداً مورد بررسی قرار گرفتند ولی او همچنان توجه انبوهی از صاحبان قدرت را به خود جلب می کند. اخیراً ویل در کارنگی هال نیویورک هفتادمین سالگرد تولد خود را جشن گرفت. در این رویداد یک شهردار، یک فرماندار، یک سناتور و یکی از روسای جمهور پیشین امریکانیز حضور داشتند.

مبتکران عرصه کسب و کار

کلاپتون کریستینسن استاد دانشگاه هاروارد در کتاب پر فروش خود معضل مبتکر (۱۹۹۷) می نویسد: «ابتکارات نامتعارف نتایج تأثیرگذار و فراوانی دارند. این هفت مبتکر قدرت خود را دقیقاً بر مبنای این اصل به دست آورده‌اند: پیش برد فکری بدیع که صنعت مورد نظر آن‌ها را تکان بدهد.

جف بیزوس

عبور از مرحله گمنامی و رسیدن به مقام شخصیت سال مجله تایم در ۱۹۹۹ کار ساده‌ای نیست، مگر آن که بتوانید تحولی به وجود آورید و جف بیزوس این کار را انجام داد. بیزوس ۳۹ ساله، تقریباً یک دهه بعد از راه اندازی سایت اینترنتی خرید و فروش Amazon.com یکی از جنجالی ترین شخصیت‌های عرصه تجارت است. بسیاری از دست‌اندرکاران سرمایه‌گذاری هنوز فکر می کنند که شرکت او صرفاً شرکتهی آن‌لاین و اطلاع‌رسان است. ولی موفقیت‌های Amazon خیره‌کننده می نماید. طی ۱۲ ماه اخیر ارزش سهام شرکت او دو برابر شده است. این موضوع نشان می دهد که بیزوس فرمول قدرتمندتری یافته است Amazon با فروش خدمات تجاری خود و البته فروش کالاهای رقبای پول به دست می آورد.

سرگی برین و لری پیج

پنج سال پیش که این دو نفر از دانشگاه استنفورد فارغ التحصیل شدند تا سایت اینترنتی خود را تأسیس کنند، نظر کمتر کسی به آن‌ها توجه داشت ولی اکنون برین ۲۹ ساله و پیج ۳۰ ساله در رأس هرم گوگل قرار دارند، شرکتی که در روز ۲۵۰ میلیون و در هر ثانیه ۲۹۰۰ مراجعه‌کننده با ۸۸ زبان در ۳۳ کشور دارد. آن‌ها می توانند تشخیص دهند که چه اطلاعاتی در چه جایی مورد استفاده قرار می گیرد. پس شاید سلاطین جدید عرصه اطلاعات باشند و البته چنین موقعیتی احتمالاً آن‌ها را به ثروت هنگفتی خواهد رساند.

دیوید نیلمن

از فوریه ۲۰۰۰ که نیلمن شرکت جت بلو را تأسیس کرد، جنگی را برای کاهش هزینه‌های مسافرت هوایی به راه انداخت. فکر او ارائه خدمات پرواز راه دور به شیوه‌ای بهتر از سیستم‌های دیگر شرکت‌های معمول و کاهش هزینه‌ها با استفاده از کارکنان غیر عضو در اتحادیه‌های کارکنان گاهی می بینند که رئیس پراتزی آن‌ها با به پیشانی کمک می کند (است). در سالی که شرکت‌های هواپیمایی ۱۱ میلیارد ضرر کردند، جت بلو ۵۵ میلیون دلار سود برد.

فرد اسمیت

در ۱۹۷۱ اسمیت با فکری انقلابی شرکت فد اکس (Fed Ex) را تأسیس کرد. هدف او این بود که خدمات حمل و نقل را شبانه انجام دهد. بدین ترتیب صنعتی نو پدید آورد. اسمیت ۵۹ ساله تنها رئیس است که این شرکت ۲۲۵ میلیون دلاری تاکنون به خود دیده است. او تنوع زیادی به کار خود داده و مسیرهای کاری خود را برای ارسال و حمل و نقل کالا گسترش داده است. او می داند چگونه راه خود را به مسیرهای واشنگتن دی سی باز کند و معمولاً در مخالفت با قوانین مالیاتی و سیاست تجاری سخن می گوید. این جمله ورد زبان اوست:

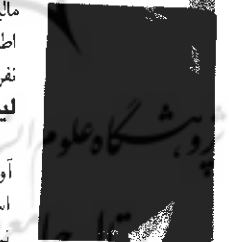
اطلاعات در مورد حمل و نقل به اندازه خود حمل و نقل اهمیت دارد. این شعار را هزاران نفر از کارکنان صنعت آویزه گوش خود کرده‌اند.

لینوس تورووالدز

۱۲ سال پیش بود که تورووالدز سیستم عامل رایانه‌ای لینوکس را پدید آورد. بدین ترتیب توانست رایانه خانگی خود را برای نوشتن برنامه‌هایی مورد استفاده قرار دهد که البته آن‌ها را در ایستگاه‌های کاری رایانه‌ای دانشگاه سان نیز به کار گرفت. امروزه برنامه لینوکس به CIO ها امکان می دهد که سرویس دهنده‌های ارزان قیمت را جانشین سیستم‌های چند میلیون دلاری کنند. تورووالدز بابت خلاقیت و ابتکار خود ثروتمند نشده است زیرا جسورانه اعلام کرده که همه می توانند مجانی از این سیستم عملیاتی استفاده کنند. البته این فنلاندی ۳۳ ساله همچنان بر ساختار و جنبه‌های اصلی سیستم خود نظارت دارد. بدین ترتیب تورووالدز از دوران تولد رایانه‌های شخصی رهبر یکی از بزرگترین انقلاب‌ها در صنعت رایانه است.

مگ ویتمن

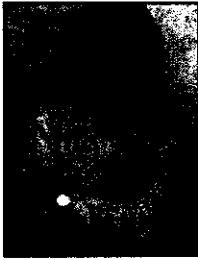
در ۱۹۹۸ که ویتمن ۴۷ ساله ریاست شرکت eBay را به عهده گرفت، سرپرستی معمولی بود. اکنون وی بر فعالیت‌های شرکتی چند ملیتی نظارت دارد که سر و صدای زیادی به راه انداخته است. ویتمن با تکان دادن بازارهای گوناگونی چون هزینه‌های پردازش الکترونیک و فروش اتومبیل جداً بازار را به تکاپو واداشته است. البته او روش اتلاف وقت کارکنان دفتری را (احتمالاً برای همیشه) منسوخ کرده است.



JEFF IMMELT

جنرال الکتریک

در سال ۲۰۰۱ هنگامی که جک ولش بازنشسته شد، ایملت در یکی از بزرگترین مبارزات تاریخ شرکت‌ها برای انتخاب نهمین مدیرعامل این غول ۱۲۵ ساله به پیروزی



رسید. او رقبای سرسختی چون باب نادلی (که اکنون مدیر عامل هوم دیپات است) و جیم نرنی (مدیرعامل ۳M) را کنار زد. ایملت کار دشواری پیش رو داشت و چالش‌های بزرگی را از سر گذراند ولی به نحو موفقیت آمیزی با مسائلی چون اقتصاد در نوسان یا تقاضاهای وال استریت دست و پنجه نرم کرد. او بخش‌های ناجوری مانند بیمه عمر ژاپنی جنرال الکتریک را کنار گذاشته، بخش جنرال الکتریک کپیتال را به چهار واحد تقسیم کرده و موجبات خشنودی سرمایه‌گذاران را فراهم آورده است. از سوی دیگر ایملت اهرم کسب و کارهای دیگری مانند ان بی سی را هم گرفته که هر صبح ۶۲ میلیون بیننده دارد (بیش از هر شبکه دیگری) و حق پخش مسابقات بازی‌های المپیک سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ را برای آمریکا خریده است. با تمام این حرف‌ها او ۴۷ سال بیشتر ندارد. پس هنوز ۱۸ سطل از سن معمولی بازنشستگی مدیران در جنرال الکتریک جوان‌تر است.

MICHAEL DELL

دل کامپیوتر

لری ایسون شخصا بر محصولات دل مهر تأیید می‌زند. کارلی فیورینا و سام هالمی سالیانو امیدوارند که وی از این کار شدید خود دست بکشد. نوزده سال پیش مایکل دل که اکنون ۳۸ سال دارد، شرکت دل کامپیوتر را در اتاق خود در دانشگاه تگزاس تأسیس کرد. در این مدت وی سیستم تولید نت و متناسب با زمان را به کار گرفت تا تجارت این کالا را دگرگون کند. دل ثابت کرده که در برابر هر محصولی رقبایش ارائه می‌دهند، وی می‌تواند همان را ارزان‌تر به بازار بفرستد. اکنون ثروت خالص دل بیش از ۱۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بدین ترتیب او ثروتمندترین مرد خودساخته آمریکایی است که در کمتر از ۴۰ سالگی به این مقام می‌رسد. او بیش از هر کس دیگری رایانه‌ای شخصی و کارگاه رایانه‌ای می‌فروشد. مسلماً شیوه‌های او در صنایع رایانه در سراسر جهان تحت مطالعه و بررسی است.

RUPERT MURDOCH

مرداک نیوز

شبکه «فاکس تی وی» متعلق به مرداک که برنامه بت آمریکایی را پخش می‌کند، توجه عده زیادی را به خود معطوف ساخته است. شبکه «فاکس نیوز» او در آمریکا بیش از سی ان ان مخاطب دارد. در



هر نقطه از جهان که مرداک ۷۲ ساله پای گذاشته، بازار رسانه از ماهواره گرفته تا روزنامه‌ها را متحول ساخته است. این مدیر عامل مقتدر با بی‌طرفی میانه‌ای ندارد. او پسرانش را به عنوان جانشینان خود تعیین کرده و از دارایی‌ها برای تبلیغ عقاید محافظه کارانه خود استفاده می‌کند. از وقتی که مرداک، دایرکت تی وی را هم به جمع دارایی‌های خود افزوده، می‌تواند برنامه‌های نیوز کوریوریشن را برای صدها میلیون خانواده پخش کند. مرداک هدف اصلی مخالفان تسهیل مالکیت رسانه‌ها است. چنان که تد ترنر بنیان‌گذار سی ان ان می‌گوید: «مرداک خطرناک‌ترین مرد جهان است.»

LEE RAYMOND

لی ریمنود

لی ریمنود معمولاً

عذرخواهی نمی‌کند، راجع به سوخت‌های فسیلی حرف نمی‌زند و چیزی از انرژی جایگزین نفت در سال ۲۰۶۳ نمی‌گوید. از طرفی دیگر نظری هم درباره همکاری شرکتش برای حل مسئله گرم شدن زمین (تأثیر گلخانه‌ای) در جهان ندارد. کار این مرد فروش نفت و پول درآوردن است. پول فراوانی که نصیب سهام‌داران می‌شود. در فصل اول ۲۰۰۳ اکسون موبیل هفت میلیارد دلار به جیب زد، یعنی دو برابر مبلغی که مایرکوسافت و جنرال الکتریک در همین مدت به دست آوردند. قدرت ریمنود فراتر از اعداد و ارقام است. طی ده سال اخیر این مرد ۶۵ ساله شرکتی را اداره کرده که عملاً حکم یکی از ایالات آمریکا را دارد، اگران موبیل را راساً با کشورهای دیگر در سراسر جهان معامله می‌کند و البته به دلیل معامله با رژیم‌های ناقص حقوق بشر در کشورهای چون آنگولا و اندونزی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. با وجود این طی پانزده سال اخیر اکسون موبیل رقبا را معمولاً کنار زده و به قدرتی چشمگیر دست یافته است. پس احتمالاً ریمنود هرگز به خاطر کارهایش احساس تأسف نخواهد کرد.

مرداک نیوز

HANK MCKINNELLI

فیزر



مک کینل ۶۰ ساله در دنیای شرکت‌های تجاری جراح عمومی است. او مدیر عامل بزرگترین شرکت دارویی جهان (فیزر پس از مایکروسافت و جنرال الکتریک سومین بازار جهانی را در اختیار دارد) است. این مرد با نفوذ بر بزرگترین فعالیت‌های تحقیقاتی پزشکی دارویی نظارت دارد. به علاوه مک کینل به نحوی استثنایی در انجام معاملات پرسود موفق عمل می‌کند. در سال ۲۰۰۰ وی ائتلافی ۸۴ میلیارد دلاری با وارنر لمبرت انجام داد و سال ۲۰۰۲ شرکت ۶۰ میلیارد دلاری فارمسیا را خرید. مک کینل می‌گوید: «غالباً از من می‌پرسند با این مسئله و آن موضوع چه خواهی کرد؟ پاسخ من این است، بیش از ارزش‌های سازمان خود را درک کن، بعد از آن می‌توانی بفهمی که با آن چه کنی.»

No.12

فرانکلین رینز

FRANKLIN RAINES

فانکی مای

سوابق تحصیلی و کاری او برای قدیمی‌ها غبطه‌برانگیز است. رینز فارغ‌التحصیل رشته حقوق هاروارد و رودز است. عضو هیئت مدیره فیزر، پیسی کولا و آتول تایم وارنر بوده است، در دولت‌های کارتر و کلینتون هم سمت‌هایی برعهده داشته است. از جمله مدیر دفتر مدیریت و بودجه در دوران شگفت‌انگیز (و زودگذری) که وضعیت مالی کشور از بدهی به سود رسید. البته علت حضور او در فهرست ما این نیست، همچنین صرفاً به دلیل آن‌که مدیرعاملی با جاذبه، پویا و گیرا است مورد توجه ما قرار ندارد. خود او می‌گوید اگر بیست و پنج مدیر عامل برتر

HANK GREENBERG

AIG



۳۶ سال است که گرینبرگ مدیریت AIG را برعهده دارد. او شرکتش را تبدیل به بزرگترین شرکت بیمه جهان ساخته است؛ طی سال گذشته درآمد خالص AIG بیش از ۷۸ شرکت برتر امریکایی بود. با وجود که گرینبرگ ۷۸ سال سن دارد، هنوز پاپس نکشیده است. در سال ۲۰۰۱ او به تنهایی ورود چین به سازمان کسب و کار جهانی را به تعویق انداخت تا جایی که دولت چین ناچار شد برای او حق معافیت از قانون منع مالکیت خارجی در چین را قائل شود. (یکی از تحلیل‌گران می‌گوید: او یکی از معدود افرادی است که می‌تواند در خانه رهبر چین را بزند و از او پاسخ «بفرمایید داخل» را بشنود.) در همان سال او شرکت پرودانشال انگلستان را برای تصاحب شرکت بیمه امریکن جنرال کنار زد و بیست و سه میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرد. اکنون وی با سیستم ضرر و زیان دست و پنجه نرم می‌کند و با مجلس نمایندگان بر سر محدودیت احکام شاکی‌ها چک و چانه می‌زند. پس هیچ‌وقت علیه او شرط نندید.

No.10

بیل گراس

BILL GROSS

پیمکو



گراس ۵۹ ساله در مقام بنیان‌گذار و سرمایه‌گذار اصلی شرکت مدیریت مالی پیمکو ۳۶۰ میلیارد دلار دارایی را اداره می‌کند که از این حیث برتر از هر فرد دیگری است. بخش اعظم دنیای مالی حرکت‌های او را دنبال می‌کند. البته معمولاً یکی دو قدم پس از او گام برمی‌دارد. کافی است تا شایع شود که او جایی را می‌فروشد یا می‌خرد، همین موضوع سروصدای زیادی به راه می‌اندازد. انتقادهای عمومی گراس در مورد روش استفاده شرکت‌هایی چون جنرال الکتریک از بدهکاری باعث افزایش قیمت‌های بورس شده است. پیش‌بینی‌های او درباره اوراق قرضه باعث می‌شود که دست‌اندرکاران بازار بورس در دهه‌های آتی انبوهی از سرمایه‌گذاران را به این بخش بکشانند. این موضوع کاملاً قابل درک است که همه آن‌ها به گفته‌های این مرد کالیفرنایی که آرام حرف می‌زند و تمرین یوگا می‌کند، گوش می‌دهند: طی ۲۷ سال از سی سال اخیر گراس پول فراوانی به جیب مشتریان خود ریخته است.



را تعیین کنید من باید بیست و ششمی باشم.
 این مدیر عامل ۵۴ ساله به دلیل اداره فانی
 مای در فهرست ما جای گرفته است. شرکتی که
 از یک آژانس دولتی به شرکتی گول پیکر تبدیل
 شده که قلب اقتصاد امریکا به شمار می رود.
 فانی مای با ۹۲۴ میلیارد دلار دارایی دومین نهاد
 مالی امریکاست که تنها بعد از سیتی گروپ
 قرار می گیرد. دقیق تر بگوییم فانی مای بر بازار
 رهن سیطره دارد که طی دو سال اخیر اقتصاد
 ایالات متحده را شناور نگه داشته است. رینز
 و فانی دست به دست هم داده اند تا نرخ ها
 به پایین ترین حد خود در چهل سال اخیر
 برسد. این موضوع باعث تقویت بازار مسکن
 شده و سرمایه گذاری بی سابقه ای را در پی
 داشته که میلیاردها دلار ضروری را به بدنه
 این اقتصاد تزریق کرده است. به علاوه رینز
 در پی مشکلات حسابداری فردی مک، برادر
 کوچکتر فانی مای به نحو موفقیت آمیزی از بند
 مقررات جدید گریخته است. شاید این موضوع
 بهترین توضیح برای قدرت فرانک رینز باشد.
 مقامات حکومتی واشنگتن می ترسند که اگر با
 شرکت او درگیر شوند، بازار مسکن و متعاقبا
 اقتصاد امریکا از هم فرو پاشد. چند نفر دیگر از
 مدیران عامل چنین قدرت و نفوذی دارند؟

سام پالمیسانو



او روش ۹۲ ساله مدیریت شرکت آی
 بی ام را تغییر داد و از هیئت مدیره خواست
 که بودجه را به شکلی تازه صرف و توزیع
 کند. بدین ترتیب بسیار فراتر از چارچوب
 سازمانی پیش رفت تا افکار تازه خود را
 تحقق بخشد. شاید این موضوع شبیه قصه
 پریان از نوع شرکتی آن باشد ولی در واقع
 فقط چند صفحه از فصل اول موفقیت های
 سام پالمیسانو در نقش مدیر عامل این
 شرکت عظیم ۸۱ میلیارد دلاری است. در
 واقع پالمیسانو ۵۲ ساله می خواهد
 وضعیت را متحول کند. وی پرایس،
 بخش مشاوره ای شرکت کوپرز را ۳/۵
 میلیارد دلار خرید و باعث شد که شرکت
 فروش سخت افزار و نرم افزار، بر فروش
 فن آوری اطلاعات و خدمات مشاوره ای
 تأکید کند. به علاوه پالمیسانو قول داده
 که دنیای فن آوری اطلاعات را با فن آوری
 «درخواستی» (on - demand) «دچار
 تحولات انقلابی کند. البته پیش از آن لازم
 است که فروش و عملکرد بازار بورس
 بهتر شود.



مجله علمی و تحقیقاتی
 مرکز ملی تحقیقات و مطالعات فرهنگی
 مرکز ملی تحقیقات و مطالعات فرهنگی

KEN LEWIS

BANK OF AMERICA



قدرت این مرد ۵۶ ساله و ملایم، ساده ولی مهم است: قدرت پول درآوردن. لوئیس از نسل جدید مدیران عامل به حساب می آید. لوئیس به آرامی تمرکز خود را معطوف به پول در آوردن از این بانک عظیم (سومین بانک بزرگ امریکا) که در ایالتی پس از سیتی گروپ و جی. پی. مورگان) می سازد. موسسه ای که هیو مک کول، سلف لوئیس در دوران اشیاع مالکیت ها تأسیس کرد. پس از ورود لوئیس به این موسسه در آوریل ۲۰۰۱ ارزش سهام آن ۵۱ درصد افزایش یافته است. اخیراً وی با فعالیت بیشتر در زمینه رهن و بانکداری و کارت اعتباری درآمد این بانک را ۲۳٪ افزایش داد. او برای تشخیص خواسته مشتریان، شم قوی دارد. (و بابت آن پول هم می پردازد) پس اگر لوئیس جذابیت فراوانی بروز نمی دهد، چه اهمیتی دارد؟ سرمایه گذاران او را به همین صورتی که هست دوست دارند.

SUMNER REDSTONE

وایاکام

بگذارید درباره سامنر رداستون بگویم که دوست دارد کت های ورزشی ظاهراً ارزان قیمت بپوشد، نمی خواهد موفقیت های شرکتش را با همکاران خود تقسیم کند و تمایلی به تعیین جانشین خود ندارد اما لازم نیست که این مدیر عامل ۸۰ ساله به دیگران تمکین کند؟ او ۸ میلیارد دلار از سهام وایاکام را در اختیار دارد (کل ارزش این سهام در بازار ۷۷ میلیارد دلار است) از جمله برای رأی دادن آن قدر سهم دارد که می تواند هیئت مدیره را کنترل کند. تازه، کاری به دارایی هایی مانند ام تی وی، سی بی اس، پارامونت پیکچرز و سایمون اند شوستر نداریم. اخیراً رداستون با خانمی ازدواج کرده که نصف او سن دارد و در مقام تاجر نشان می دهد که ابدا تمایلی به کناره گیری ندارد. او برخی از دارایی های رقیبای بدهکار خود مانند آئول را خریده است. (مثلاً شرکت کامدی سنترال) اکنون رداستون گوشه چشمی به سای فای چنل دارد. اما تأثیرگذارترین کار امسال وی عقد قراردادی برای حفظ مل کارمازین مدیر امور اداری وایاکام بود که از احترام زیادی برخوردار است. جالب آن که همه می دانند رداستون رابطه پرتنش با او دارد. مل حتی در مراسم عروسی سامنر هم شرکت کرد. حالا پرسشی مطرح می شود: آیا ممکن است کار آن ها به طلاق بکشد یا نه؟

توجه داشته باشید

CRAIG BARRETT

اینتل



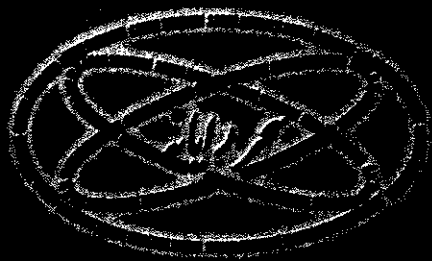
رایانه هایی که با نیمه رساناهای او ساخته شده اند، بیش از هر محصول دیگری در حال تغییر زندگی مدرن هستند. به قولی هر چیز که برای اینتل خوب باشد، برای کل دنیا خوب است. اینتل در عرصه تراشه ها با درآمد ۲۷ میلیارد دلاری خود در سال حاکم بلامنزاع است و برت مدیر عامل هم یکی از وزنه های سنگین و بلامنزاع این صنعت محسوب می شود و موقعیتی دارد که سلف او اندی گروپ هرگز از آن برخوردار نبود. در شرایطی که اینتل زمانی فقط برای رایانه های شخصی تراشه می ساخت، برت ۶۳ ساله اکنون شرکت را به سوی تولید انواع و اقسام رایانه سوق داده است. وقتی شرکت او لینوکس را هم به مجموعه خود افزود، این سیستم عامل تبدیل به بزرگترین تهدید برای مایکروسافت شد. هر سال بازت از سی کشور دیدار می کند و در بسیاری از آن ها کارفرمای طراز اولی است. معروف است که او یک ساعت در شب می خوابد. به این خاطر مسافرت های او را «رژه های مرگ» می نامند. عده کمی هستند که کمتر می خوابند و بیشتر کار می کنند و تأثیر بیشتری می گذارند تا اقتصاد جهان را سرپا نگه دارند.

A.G. LAFLEY

پروگرامر اکسپل



این دریانورد سابق نیروی دریایی امریکا از هنگام در اختیار گرفتن زمام پروگرامر اکسپل در سال ۲۰۰۰ به آرامی این شرکت عظیم ۴۳ میلیارد دلاری را به مرحله سوددهی رسانده است. البته هرگز نمی شنوید که در این باره لاف بزند. چهره متواضع لافلای، روی گشاده و اصالتش او را نزد اهالی وال استریت و کارکنانش به محبوبیت رسانده است. جفری سانتفیلد، یکی از مدیران عامل بزرگ می گوید: لافلای عملاً هیچ تلاشی برای ایجاد چنین محبوبیتی نکرده است. او اسطوره های ساخته اند که تقریباً به جک ولج می ماند. شاید این موضوع نشان دهد که چرا وی در هیئت مدیره دو شرکت از پنج شرکت بزرگ امریکا (جنرال موتورز و جنرال الکتریک) حضور دارد. قدرت واقعی لافلای در قابلیت دسترسی او است. پنج میلیارد آدم در ۱۳۰ کشور جهان از محصولات تقریباً سیصد شرکتی که تحت کنترل او است، از جمله تاید، پمپرز و کرسست استفاده می کنند. امسال لافلای با هفت میلیارد دلار، شرکت غول پیکر ترمیم موی آلمان را خرید که بزرگترین خرید در تاریخ این شرکت محسوب می شود.



سری نرم افزارهای اتوماسیون مالی و اداری

سازمان

ابزار کارآمد لازم مدیریت

انسانی و مطالعات مسابرداری

اتوماسیون اداری و پرسنلی

مسابرداری و خرید و فروش و انبار

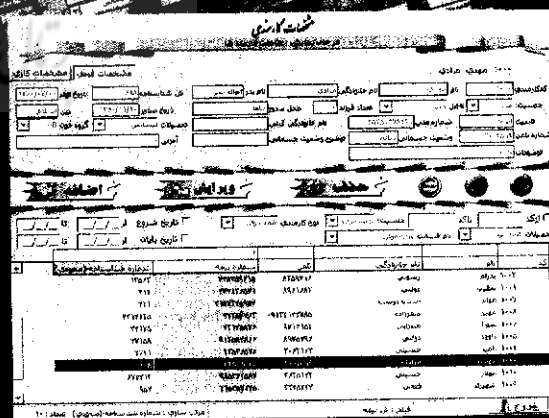
اتوماسیون صندوقهای قرض المسنه

مقوق و دستمزد

فایلینگ آژانسهای املاک

اتوماسیون آموزشگاهها

کنترل بانک و صدور چک



پذیرش نمایندگی فعال
نسخه های تک کار بره و نسخه شبکه
بررسی و طراحی و اجرا سایر نرم افزارهای کاربردی و سایت های اینترنتی بنا بر نیاز



ایوان سیدنبرگ

No.18
**IVAN
 SEIDENBERG**
 ویرین

اگر در بین افراد حاضر در این فهرست، کسی باشد که جلب نظر نکند، آن فرد ایوان سیدنبرگ است. البته او ستاره نیست ولی در بازار مقتدرانه عمل می‌کند. سیدنبرگ ۵۶ ساله دهمین شرکت بزرگ آمریکا را می‌گرداند. او سیستم و خطوط تلفنی مهم در بسیاری از بخش‌های دولت آمریکا، شهر نیویورک و بازار بورس نیویورک را اداره می‌کند. تازه این جز سرویس تلفن‌های عادی همراهی است که در سراسر آمریکا ارائه می‌دهد. نفوذ او بسیار فراتر از حد ارتباطات راه دور است.

منابع موثق می‌گویند که وقتی بین سامنر رdstون مدیر عامل وایاکام و مل کارمازین مدیر اداری آن شرکت اختلافاتی در گرفت، سیدنبرگ در مقام یکی از اعضای قدیمی هیئت مدیره وایاکام این دو مدیر را متقاعد ساخت که اختلافاتشان را در خلوت حل و فصل کنند. این نوع قدرت مسلما می‌تواند نظر همه را حتی در اتاقی شلوغ جلب کند.

کارلی فیورینا

No.19
**CARLY
 FIORINA**
 هیولت پاکارت

عکس تازه‌ای از جلسه اخیر اقتصاد جهانی که با موضوع آشتی جهانی در اردن برگزار شد، نمایانگر نکاتی آموزنده درباره قدرت است؛ کارلی فیورینا با

فاصله‌ای اندک پشت سر کالین پاول وزیر خارجه آمریکا نشسته است و با او نجوا می‌کند. این صحنه بارها و بارها تکرار می‌شود؛ کارلی با جرج بوش راجع به موضوعات اقتصادی صحبت می‌کند و با تام ریچ درباره چگونگی وحدت سازمان‌های بزرگ گفتگو دارد. در جایی دیگر می‌بینیم که مکالمه کوتاهی با نلسون ماندلا انجام می‌دهد. در واقع او شخصیتی سیاسی و جهانی است که تحت لوای یکی از مدیران عامل ۵۰۰ شرکت فورچون فعالیت می‌کند.

فیورینا، ۴۸ ساله کارهایی جز دنیاگردی هم دارد. این معلم سابق انگلیسی غیرمهندسی است که مدیریت هیولت پاکارت را به عهده گرفته است. در سال ۲۰۰۲ وی شرکت کامپک را ۱۹ میلیارد دلار خرید و شروع به تقویت صنعت رایانه کرد. منتقدان وی را به دلیل چنین رویکردی مورد انتقاد

را در اختیار داشت ولی گفته‌های مدیران عامل اساساً چندان عوض نشده است. آنان هنوز درباره قدرت اینترنت برای ایجاد تحول انقلابی در دنیای کسب و کار سخن می‌گویند و پنهانی نظر می‌دهند که چگونه سیسکو مانند راهزنان وسایل تحقق چنین کاری را می‌فروشد. چمبرز هم با ارجاع با بوروکرات‌ها و مقامات درجه اول حکومتی که بینش او را پذیرفته‌اند، سخنرانی می‌کند. وی همچنان دنیای تجارت را تشویق می‌کند تا ببند سیسکو چگونه تبدیل به بهترین نمونه استفاده از امکانات موجود شده است و البته حرف‌هایش درست از کار درمی‌آید. از دحام اینترنت هر سال دو برابر می‌شود و سیسکو چنان بازار شبکه‌ها را در اختیار می‌گیرد که تنها دو شرکت دیگر آی بی ام در دهه ۱۹۷۰ و مایکروسافت توانسته‌اند چنین تسلطی نشان دهند. بازار ۱۲۷ میلیارد دلاری سیسکو چهاردهمین بازار بزرگ ایالات متحده است. البته قدرت چمبرز از سال‌های اوج فاصله گرفته است. اما اعتبار او باعث شد که سرمایه‌گذاران در سال ۲۰۰۰، زمانی که بازار بورس ۹۰٪ سقوط کرد علاقه خود را به سیسکو نشان دهند. او همچنان پابر جا و استوار ایستاده است.

No.22

هنری پاولسون

HENRY PAULSON

گلدمن ساکس

در بین مدیران عامل وال استریت فقط پاولسون آن قدر امنیت دارد که بتواند علیه اشتباهات شرکت‌ها اظهار نظر کند. او در ژوئن ۲۰۰۲، زمانی که کسب و کار امریکا شدیداً مورد انتقاد قرار



گرفته بود، سخنرانی کرد و گفت: «اگر بخواهم رک بگویم، بخش اعظم تجارت ما سزاوار چنین وضعیتی است.» شاید یکی از دلایل این باشد که شرکت گلدمن کمترین رسوایی‌های مالی را داشته است. پاولسون ۵۷ ساله مردی قد بلند و استوار از نوع اهالی غرب میانه امریکا است. او جان کورزین مدیر عامل سابق شرکت (و سناتور فعلی نیوجرسی) را شکست داد تا این مقام را تصاحب کند. از آن به بعد تاکنون سهام گلدمن ساکس در بازار افزایش یافته است. هو جینتانو، رئیس جمهور چین طی دیداری که سال گذشته از نیویورک داشت از پاولسون خواست تا میزبان او در بازار ارز نیویورک باشد و در ملاقات جینتانو با بلومبرگ، شهردار نیویورک وی را همراهی کند. در واقع پاولسون



قرار دادند و گفتند که ادغام یک کسب و کار بد رایانه‌ای با کسب و کار رایانه‌ای بد دیگر باعث شکل‌گیری یک شرکت رایانه‌ای خوب نمی‌شود ولی او محکم در برابر سهام‌داران ایستاد. متعاقباً میزان سوددهی هیولت پاکارد افزایش یافت و ارزش سهام آن به بالاتر از حد پیش از چنین ائتلافی رسید. او تدریجاً با ادغام فن‌آوری صنعت (اوراکل / پیپل سافت، یاهو / اورتور) دیگر تبدیل به پیشگو شده است. جان چمبرز مدیر عامل سیسکو سیستمز که فیورینا هم جزو هیئت مدیره آن است می‌گوید: «او بالقوه یکی از برترین مدیران عامل امریکا است.»

No.20

استن انیل

STAN O'NEAL

مریل لینچ

انیل با تبدیل شرکت مریل که زمانی از رمق افتاده بود آن را به ماشینی جمع و جور و کارآمد تبدیل ساخت، همچنین واحد تحقیقات شرکت را سرپرستی و مجدداً نظام‌دهی کرد. بدین ترتیب به یکی از بزرگترین نام‌های وال استریت اعتباری دوباره بخشید. تاجران او به عنوان واسطه، بازار را تسخیر کردند. بانکداران باز هم سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در طرح‌های او انجام می‌دهند. ارتش ۱۴ هزار نفری انیل که شامل معامله‌گران بورس است، سرمایه‌گذاران منفرد و ثروتمند را به خود جلب می‌کند. خودی‌ها می‌گویند که انیل ۵۱ ساله مرد بسیار خوشی است. مسلماً او مرد مصممی است. او برای تصدی مقام مدیر عامل شرکت در نبردی بی‌رحمانه پیروز شد و رابطه نزدیک خود را با اعضای مهم هیئت مدیره حفظ کرده است. انیل کابینه‌ای تشکیل داده که برخی آن را جونتاً نامیده‌اند و موبه مو پیروی می‌کنند. چه از او خوششان بیاید و چه نه، نتایج کارش بر صلاحیت او مهر تأیید می‌زند: مریل در سال ۲۰۰۲ دو و نیم میلیارد دلار به دست آورد و پیش‌بینی می‌شود که امسال به سود بیشتری هم برسد.

No.21

جان چمبرز

JOHN CHAMBERS

سیسکو

این روزها گوش دادن به حرف‌های جان چمبرز تجربه جالبی است. دنیا چندان با سه سال پیش فرق نکرده است. زمانی که سیسکو بزرگترین بازار جهان (۵۳۱ میلیارد دلار)



VPL-ES1

پروژکتور نوین وبی رقیب سونی

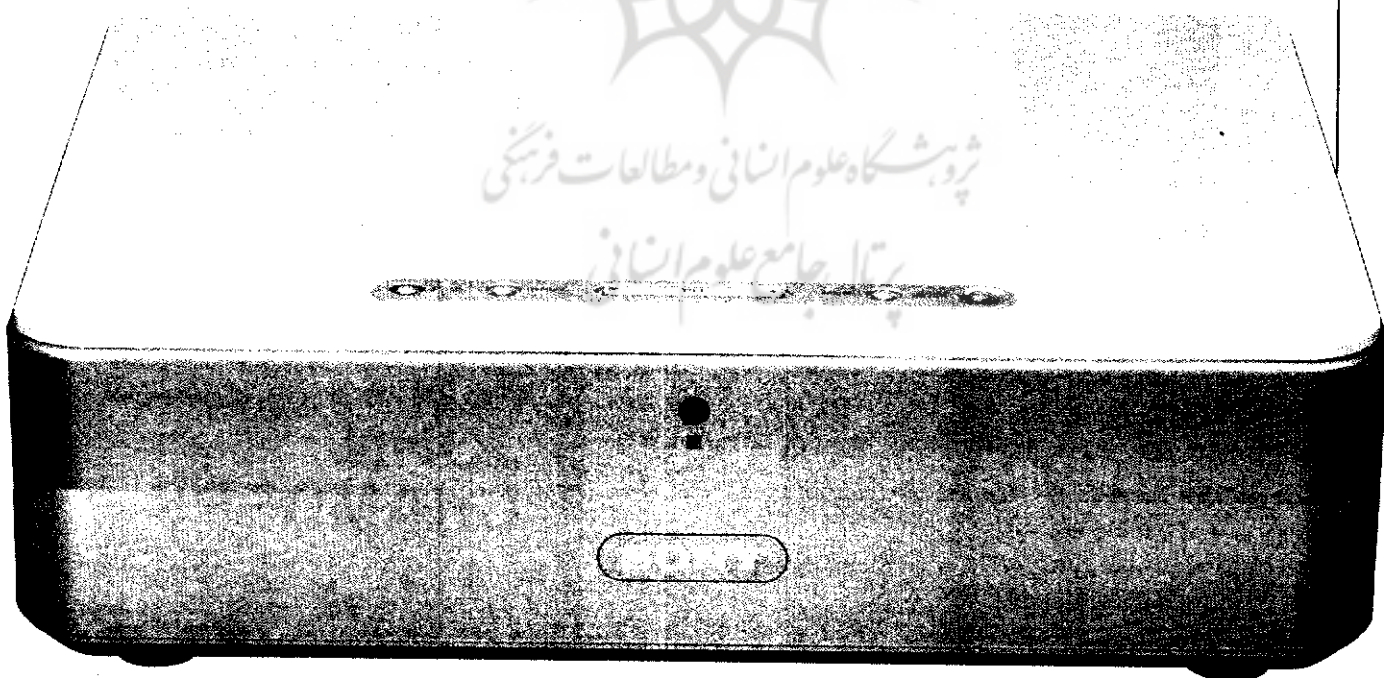
سونی خاورمیانه و آفریقا خط طولانی پروژکتورهای جدید را با VPL-ES1 توسعه میدهد

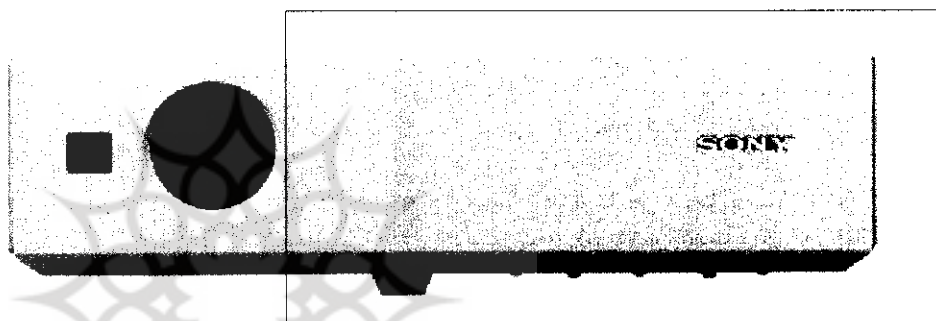
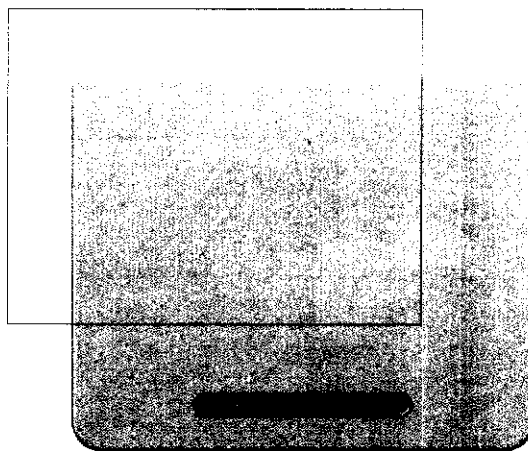
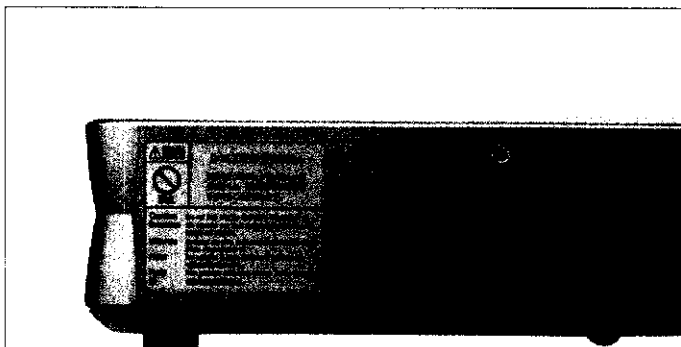
دوبی، امارات متحده عربی نوامبر ۲۰۰۳

بخش بازرگانی سونی در خاورمیانه و آفریقا اعلام نمود، محصول جدید VPL-ES1 به جمع پروژکتورهای ال سی دی فوق کامپکت با هدف قرار دادن بخشهای آموزشی و حرفه‌ای اضافه شده است. VPL-ES1 عملکردی عالی همگون با خانواده سونی، در زمینه راه‌حلهای تکنولوژی بصری دارد. و همچنین میتواند بصورت تنوعی در کسب و کارهای کوچک، وسیله‌ای با کاربرد آسان، یک ابزار ارتباطی در بازرگانی، و یا بعنوان یک شاهکار هنری در زمینه سیستمهای نمایش برای سرگرمی در دفتر و منزل مورد استفاده قرار گیرد.

هدف بخش بازرگانی سونی در خاورمیانه ارائه بهترین راهکارهای ارتباط بازرگانی در منطقه و ایجاد انقلابی در روش ارتباط داخلی و خارجی بازرگانی می‌باشد. هیدی روهم هارفورد، مدیر بازاریابی سونی در خاورمیانه و آفریقا گفت: با VPL-ES1 دیگر لازم نیست بین کیفیت و قیمت سازش ایجاد نمائیم. که از برداشت اقتصادی سونی در مورد وجود تقاضای فراوان در بازار برای

VPL-ES1





پروژکتور با کیفیت بالا که در عین حال پاسخگوی بودجه شرکت هم باشد نشأت میگیرد. پروژکتور VPL-ES1 دوست مصرف کننده است و به آسانی راه اندازی میشود، که با در نظر گرفتن نیازهای متنوع ارتباطی محیطهای کوچک تا متوسط نمایشی (Presentation) تولید شده است و برای ارائه گزارشات با کیفیت اجرایی عالی ایده آل می باشد و میتواند اطلاعات کامپیوتر را به کمک یادداشت و یا ویدئو نشان دهد. از نکات حائز اهمیت در این پروژکتور خلاقیت در اجرا (Presentation) را افزون میسازد و دارای نور کافی به قدرت 1500 ANSI و رزولوشن SVGA میباشد VPL-ES1 سونی، مانند دیگر محصولات سونی ۳ سال ضمانت دارد، همچنین ۲۰۰۰ ساعت و یا یکسال (هر کدام زودتر باشد) برای لامپ ضمانت دارد.

روهم هار فور د اضافه نمود: امروزه پروژکتورها دیگر یک وسیله لوکس به حساب نمی آیند، زیرا موسسات بازرگانی و ارگانها به مقدار زیاد جنبه حرفه ای ارائه گزارشات را افزایش داده اند و پروژکتور بخشی جدا نشدنی از ایجاد ارتباط بین آنها شده است. ارائه گزارشات الکترونیکی تعامل بین مخاطبین را بهبود می بخشد و یک رابط موثر است، که ایده های بازرگانی و دروس رو در رو را به نمایش میگذارد.

کامپکت بودن، طرح مدرن VPL-ES1 سونی، و قابلیت استفاده از آن در روشنایی روز آنرا به صورت یک وسیله واجب در لیست وسایل ارتباطات حرفه ای قرار داده است.

واید بودن لنز این دستگاه یکی دیگر از نیازهایی است که توانایی پخش تصویر از فاصله ۲/۳m با ابعاد تصویر ۸۰ اینچ را به دستگاه می دهد.

تهران نیک آوا، نماینده رسمی محصولات Display سونی در ایران

تهران خیابان ولیعصر جنب پمپ بنزین پارک ساعی ساختمان
سرو ساعی طبقه دهم واحد ۱۰۰۲
تلفن (۱۰ خط) ۸۷۰۲۸۰۰

تنها مدیر عامل وال استریت است که تا این حد مورد توجه قرار گرفته است. البته گلدمن در مقایسه با رقبایی چون سیتی گروپ و CSFB چندان جایی برای ارز اندام ندارد ولی تأثیر آن بر بخش‌هایی مانند ائتلاف‌ها و خرید و فروش شرکت‌ها بیشتر از ابعاد و ظرفیت آن است.

No.23 BRIAN ROBERTS

کامکست

شرکت تلویزیونی کابلی او برای بیش از ۲۱ میلیون خانه مسکونی در امریکا ویدیو کلیپ پخش می‌کند و به چهار میلیون کاربر خدمات سریع اینترنتی ارائه می‌دهد. بدین



ترتیب رابرتز ۴۴ ساله شخصیت بسیار مهمی در مجموعه ام تی وی محسوب می‌شود. ولی موردی که این مدیر عامل را واقعا قدرتمند جلوه می‌دهد نفوذ او بر کله گنده‌هایی چون دیک پارسونز (شماره ۲۴ در فهرست ما) از شرکت آنول، مایکل ایسنر از شرکت دیزنی و مل کارمازین از وایاکام است؛ رابرتز تخفیف‌های زیادی بابت برنامه‌هایی می‌خواهد که از این غول‌های رسانه‌ای می‌خرد. با توجه به بازار فوق‌العاده نیرومند کامکست، بسیاری از خودی‌های این صنعت شرط می‌بندند که رابرتز راه خود را باز می‌کند. وقتی او ذهنش را بر کاری متمرکز می‌سازد، خستگی‌ناپذیر می‌شود. مثلا او هرگز در معامله خود برای خریدن دارایی‌های کابلی ATT یا پس‌نکشید، معامله‌ای ۵۱ میلیارد دلاری که کامکست را از مقام سومین شرکت عملیاتی کابلی به مقام اول در امریکا رساند. از طرف دیگر ۳۳٪ از کنترل آراء در اختیار او است. پس رابرتز امتیازی به نام امنیت شغلی دارد که رقبای او فاقد آن هستند.

No.24 DICK PARSONS

آنول قائم و اوارز

پارسونز در رأس هرم بزرگترین شرکت رسانه‌ای جهان ایستاده است. این امپراتوری شامل فیلم‌های سینمایی، موسیقی، تلویزیون، شبکه‌های کابلی، سرویس‌های آن‌لاین و شرکت انتشارات تایم، ناشر فورچون است. با وجود این به نظر می‌آید که قدرت دارد تا این غول زخم‌خورده را سامان بدهد. پارسونز در مدت ۱۴ ماهی که مدیر عامل آنول شده است، با مدیریت خود زمینه ثبات این شرکت ۴۲ میلیارد دلاری را فراهم آورده است. بخشی از این



کار را با راهنمایی مدیران بخش‌ها به اداره کسب و کار خود انجام داده است. نه آن که بخواهد در امور مربوط به ائتلاف‌های شرکت دخالت کند. پارسونز ۵۵ ساله به آرامی تسلط خود را بر هیئت مدیره اعمال کرده و پس از استعفای استیو کیس مقام ریاست را هم به دست آورده است. این دیپلمات خوددار به رغم شروع قدرتمندانه‌اش همچنان با مسائل دشواری دست و پنجه نرم می‌کند. از جمله تحقیقات فعلی SEC و عملکرد کند آنول و تأخیر در سیستم کابلی PO تایم وارنر.

No.25 RICK WAGONER

چترال موتورز



واگنر ۵۰ ساله در خلوت مردی مهربان و جذاب است ولی در دیترویت رئیسی جدی و تازه رسیده محسوب می‌شود. پیام او به رقبایی که مشتریان

آن‌ها در حال روی آوردن به محصولات خارجی هستند، این است: «دست از ناله کردن بردارید» واگنر اهمیتی نمی‌دهد که سود چهار هزار دلاری فروش اتومبیل‌های جنرال موتورز به فروشندگان خودروسازان کم‌اهمیت را به مرز خطر می‌کشانند. او می‌خواهد کاری انجام دهد که برای شرکتش مفید باشد. به رغم عظمت جنرال موتورز، واگنر در محاصره قراردادهای اتحادیه، قوانین دولتی، اداره بهداشت عمومی و حقوقی بازنشستگی است. او هنوز موفق نشده تارزش سهام جنرال موتورز را بالا ببرد، گرچه این شرکت از نظر کسب درآمد مقام دوم را دارد از حیث بازار دارای رتبه ۹۴ است. با وجود این اعتبار واگنر بیش از هر آمریکایی دیگری در این صنعت است.

